

## اصلاحات و موانع آن در ایران

ابراهیم فیوضات

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

### مقدمه

گذر از جامعه‌ی کشاورزی به جامعه‌ی صنعتی و یا گذر از نظام سنتی به مدرنیسم به یک رشته اندیشه و بحث دامن زده است. مباحث گوناگون در زمینه‌ی "تأخر فرهنگی"، "مهندسی اجتماعی" و یا "اصلاح ساختاری" از چنین آوردگاه فکری گفتگو دارد (اگیرن و نیم‌کف، ۱۳۴۶). در این آوردگاه برخی بر این باورند که ساختار کهنه را باید رها کرد و به نو چسبید و برخی دیگر ساختار نو و تغییرات را نمی‌پسندند و به گذشته‌ای که نقش تغییر در آن جزئی است تکیه کرده‌اند و سنت را چه مثبت و چه منفی پذیرا هستند. تکیه بر یکی و طرد دیگری در واقع در تقابل دیدن این دو بینش است که خود به گسست فرهنگی منجر می‌شود.<sup>۱</sup> این گسست به معنی نادیده گرفتن تجربیات گذشته و پیوند ندادن کهنه و نو (تجربه و علم) و سد کردن راه انتقال فکر و تجربه از یکی به دیگری است (فیوضات، ۱۳۷۱).

### مفاهیم کلیدی

بررسی این عرصه‌ی فکری و مفاهیم اصلاح، آزادی، حق، شکل مدنی، عقلانیت، قانون و ... بیش از صد سال است که فکر و ذهن آگاهان جامعه‌ی ما را به خود مشغول کرده است. چون مفاهیم مذکور پس از دو انقلاب بزرگ ایران در قرن بیستم (انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی) و دو تغییر و تحول بزرگ (شهریور ۱۳۲۰ و جنبش ملی شدن نفت) هنوز به شفافیت نرسیده، امروز نیز همان مفاهیم با حدت و شدت بیشتری در جامعه‌ی ما طرح شده

---

۱. در مغرب زمین مدرنیسم از دل سنت روئید. دانشگاه‌های مدرن اروپا از سنت کلیسا تأثیر پذیرفتند و رشد کردند و به موقعیت کنونی رسیدند.

است. اگر در گذشته این مفاهیم عرصه‌ی فعالیت افرادی محدود و گروه اجتماعی ناچیزی را در بر می‌گرفت، امروز کاربرد این مفاهیم به عرصه‌ی فعالیت‌های وسیعی کشیده شده و در واقع به نظر می‌رسد که حتی برای توده مردم نقشی کلیدی یافته است و باید شفاف گردد. یادآوری این نکته ضروری است که در دوران امیرکبیر و مصدق به ترتیب روسیه‌ی تزاری و بریتانیا از مفاهیم مذکور احساس زیان می‌کردند و احتمال به‌خطر افتادن منافعشان را قابل لمس می‌دانستند. بنابراین آنها با قشر درونی نظام که شرایط مشابهی را داشتند علیه دولت وقت به توطئه‌چینی می‌پرداختند و استقلال کشور را به خطر می‌انداختند.

اکنون از نقطه‌نظر بیرونی قدرت‌های فعال مایشاء نقش آن چنانی ندارند. بلوک‌بندی‌های قدرت موجود جهانی به دموکراسی‌های پایدار چشم دوخته‌اند و به نظام‌های شکننده‌ی مستبد پرور وفادار نیستند، زیرا دوران آن نظام‌ها تا حدودی سپری شده است (مونتالیان؛ واسکز، ۱۳۷۶). در واقع دیدگاه‌های درونی نظام در ارتباط انتقادی با اصلاحات قابل فهم است. اصلاحات دارای هدف‌های مادی و معنوی است که شفاف شدن آن یک ضرورت است.

### اهداف اصلاحات

اصلاحات می‌خواهد حساب و کتاب را در جامعه باب کند؛ تفاوت‌ها را مشخص کند، قانون را در همه‌ی امور مسلط نماید و سخت‌کوشی و شایسته‌سالاری را در کار تشویق کند. اصلاحات می‌خواهد نارسائی‌ها را در میان مردم گروه‌ها و طبقات اجتماعی به حداقل برساند. اصلاحات می‌خواهد توانایی‌های بالفعل و بالقوه‌ی مردمی را در عمل به کار گیرد و این توانایی‌ها را به حد کمال برساند. اصلاحات می‌خواهد از سرمایه‌های مادی و غیر مادی سرزمین ایران به دقت استفاده نماید و مانع از به‌هرز رفتن آنها شود. اصلاحات پیاده کردن قانون اساسی را وجهه‌ی همت خود قرار داده است.<sup>۱</sup>

۱. اصلاحاتی که امروز آغاز شده از سال ۱۳۷۶ به بعد در دایره‌ی "قانون اساسی جمهوری اسلامی" به

## عقلانیت

اصلاحات برای اینکه به درستی عمل کند و نسل امروزی را آگاه سازد به عقلانیت نیاز دارد. تار و پود اصلاحات با ساز و کار عقل ورزی و خردباوری تنیده شده و حل معضلات را از آن طلب می‌کند.

پیشگامان رنسانس فرانسه نظیر "رابله" و "مونتینی" از ضرورت خردورزی و درک اعتبار قوانین زندگی مادی یاد می‌کردند. آنان مدام از سنت‌ها انتقاد می‌کردند و جنبه‌های مثبت و منفی آن را سبک و سنگین می‌نمودند (پریستلی، ۱۳۷۲: ۲۶).

اصل خرد باوری و عقلانیت به ما می‌فهماند که در عرصه‌ی اصلاحات به نیروهای درونی کشور بیشتر تکیه کنیم. نیروهای بالفعل و بالقوه‌ی خویش اعم از متخصص، دانشمند، معلم و کارگر را به خوبی ارزیابی کنیم و هرچه بیشتر به عقلانیت توجه کنیم، مدیریتی صحیح‌تر از پایه دهیم و روند توسعه‌ی بهتر و انسان‌های معقول‌تر و سالم‌تری را به جامعه ارائه نماییم (سریع‌القلم، ۱۳۷۲: ۱۳۱ - ۱۱۳). عقلانیت با برنامه‌ریزی توأم است و یکی از مسایل اصلاحی بررسی و نقد برنامه‌ها است که باید در کوتاه مدت و بلند مدت استمرار یابد و آن را نهادینه کند. هر چه جامعه‌ی ما به جلو گام برمی‌دارد، نیاز به عقلانیت بیشتر می‌شود. به کار گرفتن فناوری و علم بدون به‌کارگیری عقلانیت ناممکن خواهد بود. اصلاحات و وظیفه دارد که کاربرد عقلانیت را در وجه‌های گوناگون تولید و بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات رسوخ داده و کار آن بخش‌ها روان سازد. عنصر عقلانیت در اصلاحات شرط واقعی است. نقد سنت و تجربه‌ی گذشته و آماده کردن فضا برای تغییر و تحول یکی از ویژگی‌های عقلانیت است. روند عقلانی شدن به تدریج شکل می‌گیرد و جامعه از سنت به سمت صنعت تغییر ماهیت می‌دهد. عقلانیت به معنی متحول کردن سنت‌ها و آماده‌ی تحول کردن جامعه است (همان).

پرواضح است که زندگی کاملاً عقلانی نمی‌تواند لبریز از احساس باشد و تا حدی آرامش را از شخص می‌گیرد و دغدغه‌ی خاطر او را بیشتر می‌کند. همان‌گونه که والری شاعر بزرگ قبل از انقلاب فرانسه باور داشت باب عقلانیت را نمی‌توان در همه‌ی ابعاد زندگی گشود. به باور او شعر می‌تواند زندگی را زیباتر نشان دهد (زریاب‌خویی، ۱۳۶۸: ۸۹-۱۷). و یا آنجا که مولوی می‌گوید: «پای استدلالیون چوبین بود» مشکلات عقلانی بودن را می‌نماید. در هر حال با روند عقلانیت ما وارد عرصه‌ی علم، فناوری و حسابگری می‌شویم.

## فناوری و اصلاحات

یکی از عناصر مهم پویایی تحولات اجتماعی تغییرات فن‌شناختی است که سرعت روند آن از لحاظ مکانی و زمانی متوقف نمی‌شود. پویایی فناوری گسست‌ها و بریدگی‌های متفاوتی را در جامعه، به ویژه نوع سنتی آن، به وجود می‌آورد و اصلاحات را ضروری می‌نماید. فناوری در عرصه‌ی زندگی کشورهای در حال گذار ناهماهنگی‌ها را گسترده و بحران‌های ادواری را تشدید می‌کند. در اینجا نقش دولت در تنظیم بحران اساسی است.<sup>۱</sup> هر سازمان و نهاد اجتماعی به مرور زمان و با پیشرفت فناوری به کهنگی و فرسودگی گرایش پیدا می‌کند، وظایف اولیه‌ی خود را از دست می‌دهد و باید مدرنیزه شود. در این تجدید بنا مهندسی اجتماعی و اصلاحات ضرورت پیدا می‌کند.

مهندسی اجتماعی چیست؟ چگونه در جامعه جا می‌افتد و نهادینه می‌شود؟ مهندسی اجتماعی جنبشی آرام و تدریجی است که برای پیوند کهنه و نو (سنت و مدرنیزم) و وسیله‌ی رفع ناسازگاری‌های اجتماعی به وجود می‌آید. اصلاحات زمینه‌ی تغییر و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. در این تغییرات، افراد می‌آموزند که سنت و مدرن را به شکل سیاه و سفید نبینند، بلکه هر کدام را به صورت مجموعه‌ای از مثبت‌ها و منفی‌های تکمیلی در نظر بگیرند.

وقتی نگرش ما به جهان اطراف خودمان و فرایند زندگی چنین باشد، یعنی اصل تغییر را پذیرفته‌ایم، یعنی اجازه نداده‌ایم در عرصه‌ی حیات با گسست مواجه باشیم و نوآوری در شئون اجتماعی را یک ضرورت دانسته‌ایم. به علاوه؛ پس‌افتادگی فرهنگی که نتیجه‌ی پیشرفت فناوری مادی است، آگاهانه مواجه شده‌ایم و به بازسازی جامعه پرداخته‌ایم و از تاریخ تحولات اجتماعی سایر ملل درس گرفته‌ایم.

زمانی روسو و اسپنسر این‌گونه دخالت دولتی را تأیید نمی‌کردند و نظریات آدام اسمیت و ریکاردو و سایر اقتصاددانان کلاسیک و هشدار آنان در مورد عدم دخالت دولت در مسایل اقتصادی نیز بر همین منوال بود. اما حقیقت، یعنی بحران‌های ادواری و به ویژه بحران بزرگ

۱. تا اواخر دهه ۱۹۲۰ تئوری اقتصاددانان کلاسیک رعایت می‌شد. اما بحران حاد ادواری سال‌های اواخر دهه‌ی ۲۰ و افزایش بیکاری تا حدود ۵۰ میلیون در جوامع غربی باعث شد تا نظریه‌ی عدم دخالت دولت در امور را کنار گذارند. به کارگیری نظریات کینز نشان از دخالت دولت بود.

کشورهای صنعتی در سال‌های ۳۳-۱۹۲۹ همه‌ی متفکران را قانع ساخت که به اصلاحات و دخالت در امور اجتماعی - اقتصادی بپردازند و زمینه‌های تغییر و تحول را فراهم سازند. پیشرفت اصلاحات با ایجاد فضای دموکراسی در کشور همخوانی دارد، یعنی این پیشرفت باید با کثرت‌گرایی هم‌نوا باشد.

## اصلاحات و آزادی

اصلاحات فرزند آزادی و مخالف استبداد است و در جامعه‌ی ما پس از انقلاب انتظار بر این بود که با کمک آزادی بتوان دکان دورویی را به تعطیلی کشانید و با نزدیک کردن حرف و عمل بازار، تظاهر و تقلب و ریا به تدریج از جامعه‌ی ما رخت بریندد و جامعه‌ای سالم بدون ترس و هراس از گفتن حقایق داشته باشیم. شاید یکی از هدف‌های انقلاب هم این بود که هر کس به حداقل حقی که تصور می‌کرد نزدیک شود و هر چیز منطقی و اصولی است به راحتی گفته شود.

جامعه از پرورنده‌سازی و کسی را به ناحق محکوم کردن فاصله داشته باشد و هر انسانی به خاطر شایستگی انجام کار و تلاش تشویق شود. اما ریا و تزویر و تظاهر چهره جامعه‌ی ما را مخدوش نگاه داشته است. اصلاحات این وظیفه را بر عهده‌ی ما می‌گذارد که آزادی را با تمام قوا ارج گذاریم، به شایستگی‌های انسانی احترام بگذاریم و با مردمی کردن داورها حق را بر کرسی عدالت بنشانیم. باید حق و حق طلبی یک فضیلت و اعتبار به حساب آورده شود. اصلاحات وظیفه دارد که حق و حقیقت را ارزش جلوه دهد. راستی، درستی، آزادی و دفاع از حق را امتیاز و ارزش والا به‌شمار آورد. مبارزه با ریا باید به‌گونه‌ی اصلاحات تبدیل شود و به قالب هنجار اجتماعی درآید. باید نام هر انسانی را که در این کشور به مردم خدمت کرده یا عزت و احترام برده و هر خدمتی را که شخصی انجام داده، ارج نهاد و تنگ‌نظری‌ها را از عرصه‌ی داورها دور ساخت. اصلاحات باید حق را برای هر کسی محفوظ نگاه داشته و دیر یا زود به او عودت دهد.<sup>۱</sup> برای این که حقی از مردم سلب نشود، وجود تشکلهای ضروری است. این تشکلهای باید به‌عنوان حافظه‌ی تاریخی مردم عمل کنند. یعنی هر شهروندی با اعتقاد بداند که اگر خدمتی کرده روزی آشکار می‌شود و از طریق یکی از تشکلهای یا تریبون‌ها حق را به او خواهند داد.

۱. در یکی از دانشکده‌های اکسفورد انگلیس نام افرادی که در دوره‌های آدم‌سوزی هیتلر نقش داشتند به عنوان دانشجوی آن محل حک شده است ولی مردم آنجا قضاوت می‌کنند که آنان زمانی در اکسفورد دانشجو بوده‌اند و بعدها در آلمان به فاشیسم گراییده‌اند. پس دلیلی برای پاک کردن و حذف نام آنان نیست.

## جامعه‌ی مدنی

اصلاحات به ایجاد تشکلهای مدنی (مردمی) رونق و تحرک می‌بخشد. جامعه‌ی مدنی که از تشکلهای بی‌شمار مردمی شکل می‌گیرد، سرچشمه‌ی واقعی قدرت مردم است. مردم از طریق تشکلهای مدنی خواسته‌ها، تمایلات، آرزوها و حقانیت خود را بیان می‌کنند. به‌عنوان مثال حضور دویست هزار نهاد مردمی در کشور نه میلیونی سوئد از وجود تمدن مدنی حکایت می‌کند (آذرنگ، ۱۳۷۷: ۴۱ - ۲۵). در مجارستان پس از فروپاشی بلوک شرق ۱۳ هزار نهاد مدنی تشکیل شده است. رشد نهاد مدنی در برزیل افزایش یافته و به ۲۰۰ هزار رسیده است که از این تعداد ۴۵ هزار تشکلهای تنها در شهر سائوپائولو فعالیت می‌کنند (همان). اصلاحات در ایران این رسالت را بر عهده داشته که زمینه‌ی شکوفایی نهادهای مدنی را فراهم آورد و از صورت بالقوه بتدریج به شکل بالفعل آن به جریان بیندازد. گستردگی نهاد مدنی در کشور ما باعث شده که استبداد ۲۵۰۰ ساله که در اثر انقلاب اسلامی وژگون شد، برگشت‌ناپذیر جلوه کند. هر چند ایجاد بحران نوعی مانع تراشی در مقابل اصلاحات در جامعه است، ولی تجربه‌های بزرگ مردم اسپانیا و پرتغال پس از فرانکو و سالازار نشان داد که استبداد در هر شکل آن به تاریخ سپرده شده و قابل برگشت نیست. اصلاحات اسپانیا با وجودی که در طول جنگ چهار ساله‌ی داخلی، جان حدود یک میلیون انسان را گرفت، با پذیرش میثاق ملی یا "سالیداریتی" باعث شد که مردم مشکلات گذشته را به خاطر تضمین و شکوه آینده به دست تاریخ سپارند و شرایط نوین همبستگی ملی را جانشین نخوت و دشمنی گذشته کنند. مردم حتی بزرگواری را به جایی رساندند که نام ژنرال‌هایی را که دستشان به خون مردم آغشته نشده بود بر خیابان‌های مادرید باقی گذاشتند (کامینزکار، ۱۹۷۰).

در پرتغال رده‌های پایین ارتش تصمیم گرفتند که مستعمرات را رها کنند و با کمک تشکلهای مردمی دست رد بر سینه‌ی مستبدان بزنند. با ایجاد انقلاب موسوم به "گل میخک"، یعنی گلی که بر دهانه‌ی تفنگ‌های سربازان زدند، اصلاحات نوینی را سر و سرمان دادند. همه‌ی گروه‌ها و تشکلهای مدنی به ویژه تشکلهای کارگری در این میان نقشی اساسی بازی کردند (فیلمی از بی‌بی‌سی که منعکس‌کننده‌ی انقلاب پرتغال در سال ۱۹۷۴ است)<sup>۱</sup> بازگوکننده‌ی این دگرگونی است.

۱. دو کشور اسپانیا و پرتغال از نظر حکومت استبدادی و مسیر اصلاحی که طی کردند، تا حدودی با ایران

نهاد مدنی طرز جدیدی در تفکر، نگرشی تازه به جهان و امری است درون‌زاکه از دینامیسم درونی جامعه و با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ هر جامعه حاصل شده است. فرهنگ مذکور رکود درونی جامعه را به تحرک می‌کشاند. در نهادهای مدنی اصلاحات به سرعت انتقال پیدا می‌کند. فرهنگ مشارکت در چنین جامعه‌ی مردمی بسا است. اصلاح و پیگیری نقایص جزو تار و پود زندگی مردم شده است. اصلاحات در هر جامعه و کشور نیازمند پشتوانه و زمینه‌ی مناسب برای جا افتادن است. اصلاحات در کشوری که بیش از هزار سال سابقه‌ی سلطه‌ی بیگانه داشته و استبداد، انباشتی از ناهماهنگی‌ها به وجود آورده است به آسانی صورت نمی‌گیرد. سلطه‌ی خارجی به اضافه‌ی ساختار پدرسالار نیمه‌ی از قوای جامعه را در تحرکات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی تحلیل می‌برد. بعد پدرسالار یکی از موانع تاریخی توسعه‌ی کشور ما است، که توجه بیشتری را طلب می‌کند.

ویژگی نهاد مدنی، خود مختاری، خودگردانی، همیاری، کثرت‌گرایی، تنوع‌پذیری، قانون‌گرایی، خردپیشگی، انجمن‌خواهی، عدالت‌جویی و آزادمنشی است که همگی می‌بایست در برنامه‌ی اصلاحی جای ویژه‌ی خود را پیدا نمایند. فرهنگ بردباری و شکیبایی<sup>۱</sup> و دوری از انحصار طلبی در سنت فرهنگی و ادبی ما به عنوان یک ملت قدیمی جا افتاده است.

شبهت دارند. هر دو کشور پس از سقوط استبداد در سال‌های اولیه دچار بحران شدند ولی به سرعت توانستند راه اصلاحات را با کمک نهادهای موجود مدنی طی کنند و از استبداد و بحران‌سازی آن فاصله بگیرند. مانع در رژیم گذشته فاقد نهاد مدنی بوده‌ایم.

## 1. toleration

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است  
با دوستان مسرور با دشمنان مدارا  
خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد  
بگذر ز عهد سست و سخن‌های سخت خویش  
حافظ

ژرژ کنتو که عصر ایران باستان را مورد بررسی قرار داده است می‌نویسد:

زمانی هخامنشیان بابل را فتح کردند، خدایان بابلی را پرستیدند و عقاید و مذاهب خود را به آنان تحمیل نکردند. در مصر نیز خدایان آنجا را پذیرا شدند و در هر جا قدم گذاردند، توانستند خود را جانشین واقعی فرمانروایان ملی قلمداد کنند.

## فرهنگ تفاهم

یکی از عناصر وجودی اصلاحات شکل‌گیری فضای تفاهم در جامعه است. این فرایند فرهنگ بردباری و پذیرش حرف مخالف را با خود به همراه دارد. فرهنگ تفاهم نشأت گرفته از فرهنگ اصلاحی است. فرهنگ اصلاحی به ما می‌فهماند که آمادگی شنیدن سخن مخالف را داشته باشیم و با این انعطاف عرصه‌ی سعه‌ی صدر را در جامعه وسعت دهیم. قبول گوناگونی پدیده‌ها به ما امکان می‌دهد که راه اشتراک مساعی را ببندیم و راه گفتگوی سازنده را باز بگذاریم. اگر به جای درگیری و خشونت گفتگو را جا بیندازیم و نهادینه کنیم، دنیایی زیبا در جامعه‌ی خود و در سطوح جهانی خواهیم داشت و راه را بر خشونت طلبی خواهیم بست. فرهنگ خشونت ممکن است در کوتاه مدت راه زور را منطقی جلوه دهد، اما خشونت هرگز نتوانسته است ریشه‌ی مشکلات را بخشکاند. گاندی از طریق مبارزه‌ی ضد خشونت توانست قدرت بزرگ جهان آن زمان، بریتانیا را در هند به زانو درآورد. گاندی از طریق مبارزه‌ی ضد خشونت و اصلاحات، مبارزات مردم هند را سامان داد و بزرگترین نیروی جهانی را در مقابل چشم مردم هند خوار و زبون نشان داد. گاندی معتقد بود که هر انسانی دارای وجوه مثبتی است که می‌بایست به آن تکیه کرد و آن را رونق داد. یافتن نکات مثبت در انسان‌ها کشف بزرگی است که گاندی به آن رسیده است. دوری گزیدن از مچ‌گیری‌ها هم به نوبه‌ی خود کشفی است که انسان‌ها را به فرهنگ تفاهم نزدیک‌تر می‌کند. فرهنگ بدبینی عبارت "کاری از ما ساخته نیست" را به عبارت "هر کس وظیفه دارد کار مثبتی در زندگی انجام دهد" تبدیل خواهد کرد. این فرهنگ که هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد در واقع شعار دوران استبداد است که باید از آن نظرها محو شود. گسستن و محو کردن این دور باطل، جامعه‌ی ما را در امر اصلاح‌گری پا برجاستر و استوارتر کرده و ما به حل معضل ساختاری جامعه‌ی خود رهنمون خواهد ساخت.

## ساختار اجتماعی و اصلاحات

یکی از مشکلاتی که باعث جان‌نفتادن اصلاحات یا قانون شده به ساختار جامعه ارتباط دارد. ساختار جامعه‌ی ایران از انقلاب مشروطیت تا کنون از وضع ایلی - عشیره‌ای به زمینداری دوره‌ی رضا شاه تغییر ماهیت داد. این ساختار با کمک سرمایه‌های خارجی به



سمت روند صنعتی - تجاری شدن و استقرار نوعی سرمایه‌داری در حرکت بود. با انقلاب اسلامی و جنگ بخش تجاری آن از طریق بازار تسلط بیشتری پیدا کرد. اصلاحات در این بخش به دلایلی که فاقد برنامه‌ریزی و شفافیت است، انتظار زیادی را برآورده نمی‌کند. اصلاحات در ساختار صنعت به دلیل وجود علم و برنامه‌ریزی می‌تواند از شفافیت برخوردار باشد. تفاوت میان سرمایه‌ی بازرگانی و صنعتی در غرب، پس از وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان (۱۷۶۰ م) چهره نشان داد. سایر کشورهای اروپایی با ایجاد تعرفه‌های گمرکی به کمک صنعت خود شتافتند و صنعت ماشینی را در مدت یک تا پنج دهه در آنجا مستقر ساختند. اکنون ما با وجود حدود پنج میلیون اتومبیل و هفت هزار واحد صنعتی و بیش از چهار میلیون کارگر هنوز به انقلاب صنعتی نرسیده‌ایم.<sup>۱</sup> در حالی که از زمان امیرکبیر به بعد گام‌هایی در جهت صنعتی شدن و تغییر ساختاری برداشته شده است به علت گسست تاریخی فرهنگی که خود منتج از ضعف ساختاری و استمرار سیطره‌ی سرمایه‌های خارجی بوده روند مذکور ناکام مانده است. اینک اصلاح ساختاری ایران بیش از هر زمان دیگر ضروری به نظر می‌رسد. این اصلاح کمک می‌کند که جامعه از ساختار شکننده و کهنه‌ی واسطه‌گری که با فناوری امروزی همخوانی ندارد به درآید. شاید از آن پس صنعت و صنایع تولیدی بتوانند نفس تازه کنند و شادابی را حس نمایند. تا زمانی که سرمایه‌ی صنعتی در امور تولیدی به کار گرفته نشود و امور تولیدی از زیر سلطه‌ی بخش نامولد بیرون نیاید، از تولید خبری نخواهد بود و مصرف‌گرایی آینده‌ی پر امید را در بر نخواهد داشت. اصلاح ساختاری باید دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی را در برگیرد و با صنعت و فناوری روابطی نزدیک داشته باشد و در آینده به تدریج به تولید علم بپردازد تا در بلندمدت از مصرف کردن تولیدات خارجی بی‌نیاز شویم. این اصلاح باید زمینه‌های اعتماد ملی را در جامعه‌ی دانشگاهی و صنعتی ایران تقویت کند. تخصصی و حرفه‌ای شدن نیاز به آموزش و تربیت مستمر و دلسوزی خاص دارد. حتی حرفه‌ای شدن به معنی واقعی به ساختار جامعه ارتباط دارد، یعنی در یک جامعه واسطه‌گر، حرفه‌ای شدن و علمی شدن نمی‌تواند رشد کند، در حالی که نوعی تخصص در دلالتی به وجود می‌آید که نمی‌تواند در پروژه‌ی اصلاحات به حال کشور مفید باشد. اصلاحات وظیفه دارد متخصصان و صاحبان فن را در امور عمومی

۱. مقصود از هفت هزار واحدهایی است که دارای ده تا پنجاه کارگر صنعتی هستند.

مشارکت دهد و زمینه‌ی رشد و اعتلای آنان را به وجود آورد. در چنین فضایی است که مشارکت مردمی معنی پیدا می‌کند. اصلاحات باید روحیه‌ی وفای ملی و علاقه‌مندی به سرزمین آباء و اجدادی را در دولتمردان تشویق نماید. اصلاحات باید فرهنگ کار را در جامعه‌ی دانش‌آموزی و دانشجویی و حتی در جامعه‌ی بزرگ رونق دهد. اصلاحات باید کار برای خیر جمعی را با علاقه‌ی شخص به کار روزمره نزدیک کند و پیوند دهد. با این هدف هیچ‌کس از کار کردن با این هدف خسته نمی‌شود و احساس بیزاری نمی‌کند بلکه کار مفید را عبادت تعبیر و تفسیر می‌کند. اصلاحات باید کم‌کاری را که در رژیم پیشین نماد و سمبلی از مخالفت با رژیم بوده مورد تجدیدنظر و بازبینی قرار دهد.<sup>۱</sup> تنبلی و مفت‌خواری را باید امری ناپسند شمرد و با آن برخورد اقناعی کرد. در محاوره‌ها گفته می‌شود که ایرانیان ذاتاً تنبل هستند و پرکاری را دوست ندارند. این گفتارها زمانی شکل جدی به خود می‌گیرند که افراد نمونه‌هایی را از ژاپنی‌ها ذکر و مقایسه می‌کنند. یکی از وظایف اصلاحات زدودن خرده فرهنگ‌های نادرست و افکار غیر علمی در میان توده‌ی مردم است. به کارگیری این شیوه‌های نادرست و کج فهمی‌های غیر منطقی مردم ما را در تشخیص توانایی‌های خود به اشتباه می‌اندازد. اگر در نیم قرن گذشته گروه‌های صنعت پیشه‌ی ژاپنی و کره‌ای (و یا سایرین نظیر مالزی، سنگاپور و تایلند و یا حتی اندونزی) توانسته‌اند به مدیریت نوین تجهیز شوند و سرمایه‌های صنعتی را در آن کشورها به کار بیندازند، در کشور ما، گروه‌های تاجرپیشه به صنعت روی آورده‌اند و خرده فرهنگ‌های خود را در جامعه پخش کرده‌اند. لنگی و گسست، از این جایجایی نادرست حاصل شده است. در کره و ژاپن گروه‌های صاحب صنعت و یا تکنوکرات توانستند از موقعیت و فرصت به وجود آمده و فضای تقسیم کار بین‌المللی استفاده برنند و با نیروی کار ارزان کشور را به تولید فنی و صنعتی برسانند. ژاپنی‌ها به ویژه با استفاده از نیروی رزمی در روحیه‌ی ملی سامورایی‌ها، در پیشبرد تحولات و اصلاحات کشور توانستند: اولاً در ایجاد مدیریت صنعتی و "انقلاب خودداری" در فرایند صنعتی شدن نوعی روش انقلابی کشف کنند و از نیروی کار روستاها به جای کلنی‌ها (مستعمرات

۱. در رژیم گذشته، سازمان‌های مخالف، برای به زانو درآوردن رژیم "کم‌کاری" در کشور را به عنوان یک امر مترقی تعبیر کردند. اثرات و پیامدهای این روش هنوز هم باقی است. گویا براساس آمار سازمان امور اداری و استخدامی کشور، مردم ایران بیش از نیم ساعت در روز کار نمی‌کنند.

اروپاییان) کار بکشند و با عزم ملی عقب ماندگی از غرب را جبران کنند.<sup>۱</sup> دو ما توانستند با به کارگیری نیروی سامورایی در تنظیم دیوانسالاری در دوران می جی در ۱۸۶۸ اصلاحات عمیقی انجام دهند و از این دو منبع توانایی های مردم حداکثر استفاده را ببرند. در واقع مردمی که قدرت خرید نداشتند و از ریشهی درختان ارتزاق می کردند در فرصتی مناسب به تحول نیروی کار و نظام فئودالی ژاپن پرداختند و این اصلاحات را تا به امروز ادامه دادند (باران، ۱۳۵۸). این کشور که حدوداً ۴۰ کشور ما است، توانست در اقتصاد جهانی، به مقام دوم و شاید به مقام اول جهان در فناوری برسد. ژاپنی ها از فرصتی که پیش آمده بود به خوبی استفاده بردند و نشان دادند که فرصت طلایی را به سادگی نباید از دست داد.<sup>۲</sup>

### نتیجه

چنین فرصت مناسبی اکنون در افق سیاسی کشور ما با اصلاحات دوم خرداد ۷۶ به وجود آمده است. اغلب ملت های موفق آگاهانه از این فرصت های مناسب استفاده کرده اند و به انقلاب صنعتی یا "خودکاری" و پیشرفت دسترسی یافته اند. مردم و جامعه ی ایران باید آگاهانه از این فرصت در تغییر ساختار نامولّد جامعه ی خود استفاده کنند و مقهور نیروهای فرصت طلب، سودجو و متحجر نشوند. چه بسا در موقعیت بدست آمده برای فرایند صنعتی شدن کشور، استقلال واقعی و ریشه کن کردن ریا، تزویر، دروغ، دورنگی که مثل خوره مردم را به ستوه آورده مدت ها طول بکشد، اما باید مطمئن بود که اگر به قول خاتمی جهت را گم نکنیم طولانی شدن معادل با عمقی شدن و راه نجات است. اصلاحات ضمن ارایه ی تابلوی واقعی از مسایل، باید در عرصه ی چالش ها، باورها و اعتماد همه جانبه ی مردم و توانایی و عشق به کار و سخت کوشی و استقامت در کار، جامعه را تشویق کند و ساختار انگلی را به ساختاری مولّد تغییر دهد.

---

۱. در ژاپن "انقلاب خودکاری" قبل از انقلاب صنعتی صورت می گیرد. در این میان افزاینده امکان پیدا

می کنند تحولی را در خود و در مجموعه ی نیروی کار به وجود آوردند.

۲. در کره ابتدا صاحبان صنعت به سرمایه گذاری تشویق شدند و از نیروی نظامیان نیز در ساختمان صنعت

و تغییر جامعه حداکثر استفاده به عمل آمد.

## منابع

اگیرن و نیم‌کف ۱۳۴۶. *زمینه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه تألیف ح. آریان‌پور، انتشارات دانشگاه تهران و فرانکلین.

فیوضات، ابراهیم ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳. "گسست‌های فرهنگی و عوامل درونی-بیرونی"، *مجله پژوهشی دانشکده ادبیات*، دانشگاه شهید بهشتی.

مونتالیان، مانوئل و اسکز ۱۳۷۶. *متم‌فرانکو*. ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگه. پرستلی، جی‌بی ۱۳۷۲. *سیری در ادبیات غرب*. ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات امیرکبیر.

سریع‌القلم، محمود ۱۳۷۲. *عقل و توسعه یافتگی*. نشر سفیر. صفحه ۱۳۱-۱۱۳. زریاب‌خویی، عباس ۱۳۶۸. *آئینه جام*، شرح مشکلات دیوان حافظ. انتشارات علمی. (از صفحه ۸۹-۱۷).

آذرنگ، عح. "درآمدی به جامعه‌مدنی" *مجله نگاه نو*، شماره ۳۶ سال ۱۳۷۷، صفحه ۲۵-۴۱.

فیلم ۵۰ دقیقه‌ی بی‌بی‌سی در مورد پرتقال "کودتا" و "انقلاب" سال ۱۹۷۵. *آئینه هند*، شماره هشتم، تیر و شهریور ۱۳۷۸ (استفاده از مجموعه مقالات) باران، پل ۱۳۵۸. *اقتصاد سیاسی رشد: ریشه‌های عقب‌ماندگی*. ترجمه قراچه‌داغی، انتشارات پالیال.

روزنامه صبح امروز ۱۳/۰۸/۱۳۷۸.

Comyns Carr, Richard, "The succession to Franco."

*Contemporary Review*. V. 216. January 1970, no 1248.

Sir Charles Petric. *Contemporary Review*. sep 1970.